



### تولد و کودکی

در سال ۱۲۹۲ هـ.ق، در محله حسین آباد جنوب اصفهان، کلبه‌ای محقر و کوچک پناه‌گاه مردم و بیچارگان بود. آن خانه ساده و گره‌گشا منزل آیه الله میرزا محمد جواد بید آبادی بود. در سوم آذر همان سال فرزندش، میرزا محمد علی، به دنیا آمد و آن خانه ساده را مملو از شادی و طراوت ساخت. پدر که فقیه و عارفی نامدار بود، در تربیت سه فرزند خود (میرزا احمد و میرزا علی محمد و میرزا محمد علی) توجه خاصی داشت و با تیزبینی و هوشیاری خاصی

حرکات و رفتار آنها را از نظر می‌گذراند و از همین رهگذر بود که هر یک از فرزندان وی از ستارگان آسمان معرفت گشتند. میرزا محمد علی در همین سالها با مناجات شبانه پدر عارف خود که با سجده‌های طولانی و ناله‌های سوزناک همراه بود، خو گرفت و رشد و تعالی یافت.

سالها بعد، اولین دروس مقدماتی را نزد پدر آموخت و سپس در دروس برادر بزرگش شیخ احمد مجتهد که از مدرسان بزرگ اصفهان به شمار می‌رفت، حاضر گردید. هنوز ده سال از عمر شریفش نگذشته بود که به

اشکوری بار یافت و سالها از محضر قدسی وی استفاده برد.

در همین دوران، یعنی در سال ۱۳۱۰ ه.ق. میرزا محمد علی به درجه اجتهاد مفتخر گردید و اساتید بزرگ تهران به وی اجازه دادند تا به استنباطات خویش عمل کند.

اما چندی نگذشت که ایشان به همراه پدر راهی اصفهان گردید تا به همراه وی به سوی عتبات عالیات برای درک محضر نورانی اساتید آن سامان مسافرت کند و لکن پدر بزرگوارش، آیه الله بید آبادی از همین سرزمین (اصفهان) بود که به سوی جایگاه ابدی سفر کرد. در نتیجه، مدتی را در اصفهان ماند و دوباره به تهران عزیمت نمود.

آیه الله میرزا محمد علی شاه آبادی رحمته الله علیه در حدود شانزده سال در تهران اقامت کرد. آوازه درس آخوند خراسانی که کتاب کفایة الاصول او نیز

خاطر کوشش پیگیرش توانست در درس آیه الله میرزا هاشم خوانساری (صاحب مبانی الاصول) شرکت جوید.

ایشان برای تحصیل دروس ریاضی در مجلس درس ریاضیات آقا میرزا عبد الرزاق سرتیپ حاضر شد و با جدیت به فراگیری ریاضیات پرداخت.<sup>۱</sup>

با تبعید آیه الله بید آبادی و دو فرزندش میرزا احمد و میرزا محمد علی به تهران، وی در درس فقه و اصول آیه الله میرزا حسن آشتیانی - از شاگردان آیه الله شیخ مرتضی انصاری - شرکت کرد و به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول پرداخت.

در همین زمان بود که برای تحصیل در فلسفه به محضر حکیم بزرگ میرزا ابو الحسن جلوه شتافت و از محضر نورانی وی استفاده کرد.<sup>۲</sup>

با همه این تلاشها این طلبه فاضل، هنوز به آرامش نرسیده بود که قدم در وادی عرفان نهاد و به محضر قدسی عالم تحریر و عارف سترگ و استاد محقق آیه الله العظمی میرزا هاشم

۱. آسمان عرفان، محمد علی محمدی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۳۷-۳۹ (با تلخیص).

۲. استاد زاده، نشر حوزه علمیه شهید شاه آبادی، فروردین ۱۳۶۵، صص ۳۳-۳۵.

شرکت جوید؛ هر چند خودش کرسی تدریس خارج فقه و اصول داشت و درسش از مهم‌ترین دروس سامراء به حساب می‌آمد.

به پاس این احترام بود که آیه الله العظمی محمد تقی شیرازی که در دادن اجازه اجتهاد به شاگردانش احتیاط می‌کرد و از میان صدها شاگرد فقط به شش نفر اجازه اجتهاد داده بود، به آیه الله شاه آبادی اجازه اجتهاد داد و در وصف ایشان در قسمتی از اجازه نامه مرقوم فرمود:

«عالم عامل و پرهیزگار و مهذب فاضل... جناب میرزا محمد علی - که برکاتش مستدام باد - فرزند مرحوم نیکوکار... میرزا محمد جواد اصفهانی به فضل خداوند که به مرتبه افرادی رسیده که بر آنها جایز است به احکامی که خودشان استنباط می‌کنند (به اجتهاد خودشان) عمل کنند... و من با کمال اعتمادی که بدو دارم، به وی وصیت می‌کنم به اینکه در دین الهی کمال احتیاط را بنمایند و از آنچه خداوند

به تازه‌گی منتشر شده بود، باعث شد تا میرزا دوباره عزم سفر کند، این بار او به همراه خانواده و مادرش عازم وادی ایمن گردید.

در حدود سال ۱۳۲۰ ه.ق. به طرف اصفهان حرکت کرد و یک سال در اصفهان ماند و آن‌گاه به همراه مادر در سال ۱۳۲۲ ه.ق. عازم نجف اشرف گردید.<sup>۱</sup>

در نجف نیز با شور و شوقی وصف ناشدنی در درس آخوند شرکت جست و این شوق باعث شد تا در دو دوره کامل درس خارج اصول آخوند خراسانی شرکت کند. آثار شرکت در این دروس، یک دوره شرح بر کفایة الاصول است که متأسفانه به چاپ نرسیده است.

اساتید دیگرش در نجف، آیه الله شیخ فتح الله شریعت، مشهور به شیخ الشریعة اصفهانی، و آیه الله میرزا محمد حسن خلیلی بودند.<sup>۲</sup>

پس از رحلت آخوند خراسانی، آیه الله شاه آبادی تصمیم گرفت که از نجف به سامراء هجرت کند و در درس پر فیض آیه الله العظمی شیرازی دوم

۱. آسمان عرفان، ص ۴۶.

۲. استاد زاده، ص ۳۶.

با تحمل تمام سختیهای راه، وارد اصفهان شد.<sup>۳</sup>

در این هنگام، مردم اصفهان از ورود این مجتهد بزرگوار آگاه گردیده، و از ایشان خواستند تا در اصفهان بماند؛ ولی مردم تهران به اصفهان آمدند و با اصرار زیاد از او خواستند تا به تهران برود. در نتیجه، ابتدا در منزلی که در خیابان جمهوری اسلامی (شاه آباد سابق) بود، ساکن شدند؛ ولی به علت کثرت مراجعات مردمی برای تدریس و برگزاری نماز جماعت و سخنرانی به مسجد «سراج الملک» که محل سکونت و فعالیتهای تبلیغی پدر بزرگوارش بود، منتقل شدند و بدین ترتیب، از سال ۱۳۳۰ ه.ق تا ۱۳۴۷ ه.ق، به مدت هفده سال در تهران اقامت داشتند.<sup>۴</sup>

### ورود به قم

آیه الله شاه آبادی در سال ۱۳۴۷

نمی‌پسندد، دوری گزیند و مرا در محلهای مناسب خودش از دعای خیر فراموش نفرماید... الاحقر محمد تقی الحائری.<sup>۱</sup>

### بازگشت

آیه الله شاه آبادی پس از هشت سال سکونت در عراق و استفاده از محضر مراجع معظم و اساتید مبرز آن حوزه به خاطر اصرار مادر گرامی اش نسبت به مراجعت به ایران، تصمیم به سفر گرفت؛ ولی اساتید بزرگوارش، به خصوص آیه الله العظمی شیرازی اعلام فرمودند که «میرزا محمد علی! رفتن از عراق برای تو جایز نیست.»

اما ایشان در جواب فرمودند: «عمل به تکلیف وقتی لازم و واجب است که شخص به انجام آن توانا باشد. هم اکنون ماندن در عراق برای من مقدور نیست؛ البته - ان شاء الله - در اولین فرصت ممکن خدمت شما بر می‌گردم.»<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، آن بزرگوار با معذرت خواهی از محضر استادش خداحافظی کرد و بدین سان، به سبب احترام به خواسته مادر، پس از شش ماه

۱. آسمان عرفان، ص ۵۰.

۲. به نقل از آیه الله محمد شاه آبادی، فرزند آیه الله محمد علی شاه آبادی.

۳. استاذزاده، ص ۴۱.

۴. آسمان عرفان، صص ۵۴-۵۵.

پس از ۷۷ سال صبر بر هجران، عاقبت به بارگاه معشوق ازل و ابد بار یافت.<sup>۲</sup>

### استادان

اولین و دومین استاد این عارف بزرگ، پدر بزرگوارش آیه الله میرزا محمد جواد بید آبادی اصفهانی و سپس برادر گرامی اش، مرحوم شیخ احمد مجتهد بید آبادی بوده است.

بقیه اساتید ایشان عبارت‌اند از:

۳. آیه الله میرزا هاشم خوانساری رحمته الله علیه؛

۴. آیه الله حاج میرزا محمد حسن آشتیانی رحمته الله علیه؛

۵. میرزا سید ابو الحسن جلوه رحمته الله علیه؛

۶. آخوند خراسانی رحمته الله علیه؛

۷. آیه الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی رحمته الله علیه؛

۸. آیه الله میرزا هاشم اشکوری رحمته الله علیه.

### شاگردان

در درسهای مرحوم آیه الله العظمی شاه آبادی رحمته الله علیه فضلاء زیادی بهره برده‌اند که به اسامی شریف بعضی

ه.ق، پس از مدتها مبارزه بارضا خان وارد قم شد تا بتواند به تربیت طلاب مستعد بپردازد. در همین ایام، حضرت امام رحمته الله علیه با اصرار زیاد توانست موجبات برپایی درسهای خصوصی ایشان را فراهم کند و به همراه چند طلبه در محضر آن بزرگوار تلمذ نماید و در این فرصت، کتابهایی چون فصوص الحکم ابن عربی و مفاتیح الغیب آخوند ملا صدرای شیرازی و منازل السائرین را در محضر ایشان بیاموزد.

### آهنگ رجعت

شیخ عارف کامل مدت هفت سال در شهر جهاد و اجتهاد اقامت کرد و سپس آهنگ مراجعت به تهران نمود.<sup>۱</sup>

با درخواست دسته جمعی مردم تهران، ایشان در سال ۱۳۴۵ ه.ق راهی تهران می‌شوند و مدت دو سال در مسجد امین الدوله - واقع در بازار چهل تن - و سپس در یکی از شبستانهای مسجد جامع به تبلیغ و ترویج معارف اسلامی می‌پردازند.

ایشان در تهران در ساعت ۲ بعد از ظهر روز پنج شنبه سوم آذر ۱۳۲۸ ه.ش (مطابق با سوم صفر ۱۳۶۹ ه.ق)

۱. ر.ک: تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۵.

۲. آسمان عرفان، ص ۱۲۶.

**مبارزات سیاسی**

رضا خان در زمانی که مقدمات رسیدن به قدرت را محیا می کرد، بسیار تظاهر به دینداری می نمود و ریاکارانه با پای برهنه در عزاداریها شرکت می کرد. آیه الله شاه آبادی رحمته الله علیه که به قول حضرت امام رحمته الله علیه: «علاوه بر آنکه یک فقیه و عارف کامل بودند، یک مبارز به تمام معنا هم بودند.»<sup>۲</sup> دستهای مرموز بیگانه را نیک می شناخت و پی برده بود که رضا خان همچون عروسکی در دست استعمارگران است.

در نتیجه، همیشه (در خطاب به روحانیت) تذکر می داد:

«مردک الان که به قدرت نرسیده است، این چنین به دست بوس علماء و مراجع می رود و تظاهر به دینداری می کند و از محبت اهل بیت علیهم السلام دم می زند؛ لکن به محض آنکه به قدرت رسید، به همه علماء پشت می کند و اول کسی را هم که لگد می زند، خود

از آنها اشاره می گردد:

۱. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه؛
۲. حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه؛
۳. حضرت آیه الله العظمی میرزا هاشم آملی رحمته الله علیه؛
۴. حضرت آیه الله حاج محمد ثقفی تهرانی رحمته الله علیه (پدر خانم حضرت امام)؛
۵. حضرت آیه الله آخوند ملا علی همدانی رحمته الله علیه؛
۶. حضرت آیه الله حاج سید موسی مازندرانی رحمته الله علیه؛
۷. حضرت آیه الله شیخ شهاب الدین ملایری رحمته الله علیه؛
۸. حضرت آیه الله حاج شیخ راضی رحمته الله علیه؛
۹. حضرت آیه الله حاج میرزا حسن یزدی رحمته الله علیه؛
۱۰. حضرت آیه الله حاج میرزا خلیل کمره ای رحمته الله علیه؛
۱۱. حضرت آیه الله حاج میر سید حسن احمدی رحمته الله علیه؛
۱۲. حضرت آیه الله حاج سید علی بهشتی رحمته الله علیه.<sup>۱</sup>

۱. همان، صص ۹۹-۱۰۰.

۲. سخن امام رحمته الله علیه در دیدار با خانواده شهید شاه آبادی، ۱۳۶۳/۲/۹.

شما هستید.»<sup>۱</sup>

و می‌دانیم اولین و بهترین شخصیتی که به دست رضا خان شهید شد، مرحوم مدرس رحمته الله علیه بود؛ اما هنوز این ابتدای راه بود. در اوج خفقان رضا خانی، آیه الله شاه آبادی از علماء تهران خواستند که سکوت شب را شکسته، در اعتراض نسبت به ظلم ستمشاهی، در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه گرد آیند و متحصن شوند؛ اما همه هفتاد نفری که از علماء تهران به وی اعلام آمادگی کرده بودند، روز قبل از تحصن انصراف دادند و فقط دو نفر با وی در آن حرم شریف، متحصن شدند.

با شروع محرم، ایشان مجالس سخنرانی خود را به اشاء ماهیت زشت رضا خان تبدیل کرد. او رضا خان را چاروادار و قاطرچی خطاب می‌کرد و در این مدت، نامه‌های زیادی نیز برای علماء دیگر شهرستانهای ایران و عراق نوشت و در آنها به خطر رضا خان درباره اسلام اشاره کرد. در ایامی که آن مرد بزرگ در تحصن به سر می‌برد، یکی از علماء نجف نامه‌ای به

ایشان نوشت و علت تحصن او را جویا شد. ایشان جواب نوشتند: «... ما وارث دینی هستیم که از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تاکنون گذشته از شهادت ائمه علیهم السلام و اصحاب و یارانشان و علماء و... هزاران شهید در به ثمر رساندن آن فداکاری کرده‌اند و الان ثمره آن ایثارها به دست ماست و ما وظیفه داریم در حفظ آن بکوشیم و اینک که می‌بینیم این امانت الهی در معرض دست‌برد و نابودی از ناحیه این حکومت جبار است، بایستی با تمام وجود از آن محافظت کنیم و معتقدیم خون ما رنگین‌تر از خون گذشتگان نیست.»<sup>۲</sup>

از دیگر فعالیت‌های ایشان در زمان تحصن، تبدیل مراسم تعزیه خوانی به مراسم عزاداری و نوحه خوانی رایج و مرسوم است؛ یعنی سالهای قبل از تحصن آیه الله شاه آبادی رحمته الله علیه، در صحن آستان مقدس حضرت عبدالعظیم رحمته الله علیه در محرم به جای عزاداری، مراسم تعزیه خوانی برگزار می‌شد که ایشان با تعطیل کردن مراسم تعزیه خوانی، آن

۱. استاد زاده، ص ۴۳.

۲. تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۵، ص ۱۸۷.

حدود یازده ماه طول کشید و در این مدت قدرت رضا خانی تثبیت شد. در این هنگام، عده‌ای از علماء بزرگ تهران همچون آیه الله مدرس و آیه الله حاج شیخ عبد النبی نوری و علماء شهرهای دیگر از ایشان خواستند تحصن را به پایان رسانند.<sup>۱</sup> خود ایشان نیز که ادامه تحصن را خیلی مؤثر نمی‌دانستند و از طرف دیگر نمی‌خواستند علماء را رد کنند، با یک شرط که آن هم خروج از تهران (مرکز ظلم و ستم) بود، تحصن را به پایان رساندند و بدین ترتیب، آماده مهاجرت به قم شدند.<sup>۲</sup>

### سیره فرهنگی - تبلیغی

مرحوم آیه الله شاه آبادی رحمته در دوران فعالیت تبلیغی خود در تهران، آثار و برکات فراوانی بر جای گذاشت که برای آشنایی بیشتر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### لباس روحانیت

رضا خان وقتی که قدرت خود را

را به مجلس موعظه و سخنرانی علیه نظام فاسد تبدیل کرد و خود ایشان نیز در آن ده روز منبر رفتند و در آخرین روز سخنرانی فرمودند: «خدایا! تو شاهد باش که من به علماء اعلام در نجف، قم، مشهد، اصفهان و سایر بلاد نوشتم و بر آنان اتمام حجت کردم و در این ده شبانه روز هم، اگر این مرتبه را بگویم، جمعاً سی مرتبه گفته‌ام و برای اقشار مختلف نیز اتمام حجت کرده‌ام که این چاروا دار (رضا خان) با من دشمنی و عناد ندارد؛ او با اسلام و قرآن مخالف است و چون من و امثال مرا حامی و حافظ اسلام و قرآن می‌داند، مخالفت می‌کند و اگر به او مهلت داده شود، اسلام و قرآن را در این مملکت از ریشه خشک خواهد کرد.»

در این مدت، رضا خان هر چه کرد تا ایشان را راضی کند، موفق نشد؛ حتی کالسکه شاهی را برای باز گرداندن وی فرستاد؛ ولی آن حضرت همکاری بسا رضا خان را حرام می‌دانست و از پذیرفتن وی نیز امتناع کرد.<sup>۱</sup>

تحصن آیه الله شاه آبادی در

۱. به نقل از آیه الله محمد شاه آبادی (فرزند آن

مرحوم)، ر.ک: آسمان عرفان، صص ۶۳-۶۴.

۲. تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۵، ص ۱۸۶.

۳. همان، ص ۴۵ و ۴۷.



تثبیت کرد، به شدت با مظاهر اسلامی و به خصوص لباس روحانیت به مبارزه برخاست و حتی با استفاده از زور سر نیزه پوشیدن عبا و عمامه را ممنوع کرد و دستور داد که همه باید کت و شلوار بپوشند و فقط به آنهایی که از حکومت اجازه کتبی داشتند، اجازه می‌دادند تا ملبّس بمانند.

در این شرائط، آیه الله شاه آبادی که پیوسته در مقابل زورگوییهای رضا خانی می‌ایستاد، این بار نیز همه فرزندان خود را تشویق کرد تا به تحصیل در علوم اسلامی بپردازند و لباس روحانیت بپوشند و خودش نیز بدون توجه به دستورات رضا خان در تمام مکانها با این لباس حضور می‌یافت. در این خصوص، به فرزندان می‌فرمود: «شما ریزه خواران خوان حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) می‌باشید. از این رو، بایستی خدمتگزار ساحت مقدس وی باشید و بدین وسیله، دین خود را ادا کنید!»<sup>۱</sup>

### سخنرانی و تبلیغ

در زمانی که ارزش تبلیغ و منبر رفتن برای علماء بزرگ دلیل بر کم

سواد و عالم نبودن بود، مرحوم آیه الله شاه آبادی رحمته الله علیه بنا بر آنکه اهمیت تبلیغ دین را می‌دانست، بدون توجه به تمامی این مسائل جنبی، به منبر می‌رفت و برای مردم سخنرانی می‌کرد. در جلسات ایشان بسیاری از مردم و علماء شرکت می‌کردند و آن مرد الهی با بیانی گیرا و شیرین، مردم را به راه راست هسدایت می‌کرد. سخنرانیهای ایشان در مسجد جامع تهران در حدود یک ساعت و نیم به طول می‌کشید.

با توجه به اینکه برای عموم مردم سخنرانی می‌کرد، گاهی اتفاق می‌افتاد که مطالب عرفانی را در سطح فهم عوام بیان می‌کرد تا اینکه همه افراد بتوانند از این مفاهیم عالی بهره‌مند شوند.

امام خمینی رحمته الله علیه در این مورد می‌فرمایند: «من به مرحوم شاه آبادی رحمته الله علیه که برای عده‌ای از کاسبها که آنجا می‌آمدند نزد ایشان و ایشان هم مسائل را همان طوری که برای همه می‌گفت، برای آنها می‌گفت - عرض

۱. همان، ص ۱۸۸.

کردم که آخر اینها و این مسائل! گفت: بگذار این کفریات به گوش اینها هم بخورد!»<sup>۱</sup>

آیه الله حاج شیخ نور الله، فرزند گرامی آیه الله شاه آبادی رحمته الله علیه در این باره خاطراتی را به شرح زیر نقل می‌کنند: «در میان توده مردم - چه پیش از رفتن به حوزه قم و چه در ایامی که در قم اقامت داشتند و چه پس از بازگشت به تهران - به پرورش افکار و تربیت اخلاقی و تعلیم معارف اسلامی پرداخته، در سازندگی انسانهای فاضل و عارف به مبانی اسلام از هر فرصتی استفاده می‌کردند.

در همین مورد، به خاطر دارم روزی مرحوم آقای حاج مصطفی خان ایروانی (پدر خانم جناب آقای حاج شیخ مهدی حائری تهرانی) می‌گفتند: ما سالها به اتفاق مرحوم حاج عباس قلی بازرگان از محضر ایشان استفاده می‌کردیم و مطالب ایشان را یادداشت می‌نمودیم و شخصاً آنها را به آلمانی ترجمه کرده‌ام و قصد انتشار آن را دارم. و نیز به خاطر دارم روزی به عیادت مرحوم حاج شیخ علی محدث

زاده رفته بودم. پیش از من جوانی از ایشان عیادت کرده بود که طبق اظهار ایشان وی از فضلاء بود. وقتی پرسیدم تحصیلات شما در کدام حوزه بوده است، پاسخ داد: از محضر آیه الله العظمی شاه آبادی استفاده نمودم! که پس از گسفتگو معلوم شد وی از پرورش یافتگان بحثهای شبهای ایشان در مسجد جامع است که معمولاً هفته‌ای چهار شب پس از نماز به بحث پیرامون معارف اسلامی می‌پرداختند.»<sup>۲</sup>

### سخنرانی بدون منبر

رضا خان که اسلام و قرآن و روحانیت شیعه را سد بزرگی در مقابل اهداف شوم استکباری می‌دید، تصمیم گرفت به هر شکل ممکن مردم را از روحانیت جدا سازد و تمامی ابزار تبلیغی را که در دست آنان بود، از ایشان بگیرد. به این خاطر، دستور داد تمام مساجد و سخنرانیه‌ها تعطیل شود و هیچ روحانی حق نداشته باشد منبر

۱. تفسیر سوره حمد، امام خمینی رحمته الله علیه، قسمت پنجم، ص ۱۴۴.

۲. تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۵، ص ۱۸۹.

برود یا روضه بخواند.

او آن قدر به این سیاست بیگانه پسند و شیطنانی ادامه داد که مردم از ترس آن خائن حتی جرئت نداشتند در منازل خود مجلس روضه‌ای ترتیب دهند و اگر کسی می‌خواست برای سالار شهیدان مجلس عزاداری تدارک ببیند، مجبور بود در زیرزمین منزلش و به دور از چشم مأموران دولتی مجلسی برقرار کند و عده بسیار اندکی از اقوامش را که می‌دانست با حکومت ارتباطی ندارند، به آن مجلس دعوت نماید؛ چون اگر مأموران دولتی می‌فهمیدند، فوری مجلس را به هم زده، صاحبخانه را دستگیر می‌کردند. در این جو که خفقان رضا خانی همه صداها را ساکت کرده بود، منبر رفتن و سخنرانی کردن آیت حق هیچ‌گاه قطع نشد و همیشه بر فراز منبر با بیان حقایق دین، از ارزشهای الهی حراست و جنایات شاه را برای مردم بازگو می‌کرد.

وقتی مزدوران دستگاه رضا خانی دیدند که آیه الله شاه آبادی رحمته الله علیه بر فراز منبر، تبه‌کاریهای شاه را افشا می‌کند،

منبر آن عالم مجاهد را از مسجد جامع دزدیدند تا شاید بتوانند به این وسیله مانع تبلیغ و ارشاد او شوند.

اما آیت الهی، شاه آبادی، همچنان به انجام این وظیفه شرعی خود ادامه داد و از آن پس، چند ماه ایستاده سخنرانی می‌کرد و به نظام فاسد حاکم اعتراض می‌نمود و آن‌گاه که عده‌ای از نمازگزاران مسجد پیشنهاد کردند که منبری تهیه شود، فرمود: «من ایستاده سخن می‌گویم تا بدانند منبر سخن نمی‌گوید»<sup>۱</sup>.

#### خاطره‌ای تلخ

عده‌ای شایع کرده بودند که آقای شاه آبادی حکیم است، نه مجتهد! روزی در تهران یک نفر که برای پرداخت سهم امام نزد ایشان آمده بود، رو به ایشان گفت: اگر شما مجتهد هستی، اجازه‌های اجتهادت را به من نشان بده که ببینم آیا اساتید حوزه‌های علمیه به تو اجازه اجتهاد داده‌اند یا نه؟ آیه الله در حالی که به شدت از این گفته نابخردانه ناراحت شده بود، از

۱. همان، ص ۱۸۷.

می کرد، می گفت: «ای کاش آن روز هیچ یک از اجازات را به آقا نمی دادم!»<sup>۱</sup>

**روش درست امر به معروف و**

**نهی از منکر**

در نزدیکی منزل آیه الله شاه آبادی رحمته اللہ علیہ، دکتری زندگی می کرد که فرزندان را به روش غربی تربیت می نمود و برای آنها معلم موسیقی به منزل می آورد و با صدای آن همسایه ها را اذیت می کرد. مرحوم شاه آبادی رحمته اللہ علیہ به ایشان پیغام دادند که رعایت مردم را بکنند؛ ولی وی که به حکومت وقت دلخوش بود، جواب داد که من از روش خودم دست بر نمی دارم و شما از هر راهی که می خواهید، جلوی مرا بگیرید! آیه الله شاه آبادی رحمته اللہ علیہ تا روز جمعه صبر کرد و آن گاه در جلسه روز جمعه در مسجد امام، رو به مردم چنین گفت: «خوب است از این به بعد هر کس که از این خیابان عبور می کند، چون به مطب دکتر می رسد، داخل مطب شده، سلام کند، وانگهی با

همسرش خواست تا صندوقی را که در آن اجازه های اجتهادی ایشان قرار داشت، بیاورد. آن گاه در مقابل چشمان آن شخص همه را پاره کرد و در حالی که با دست به سینه اش اشاره می کرد، فرمود:

«علم در کاغذ نیست، قوه اجتهاد در اینجاست. اگر علماء به من اجازه اجتهاد داده اند، به خاطر صلاحیت علمی من بوده است؛ ولی من خودم هرگز به دنبال گرفتن این گونه اجازه نامه ها نبوده ام.»

این قضیه، از استقلال روحی و وارستگی آن مرد الهی حکایت می کند که هرگز برای اثبات شخصیت علمی خود هیچ اتکایی به این گونه مدارک نداشت. هر چند ارزش معنوی این نامه ها و اجازات بر هیچ کس پوشیده نیست. در میان اجازات اجتهادی که ایشان از اساتید خود داشت، تنها یک اجازه، آن هم اجازه ای که میرزای شیرازی دوم، به ایشان داده بود - چون در میان یکی از کتابهای ایشان مانده بود - به دست آمده است. همسر آیه الله شاه آبادی هر گاه از این قضیه یاد

۱. آسمان عرفان، صص ۸۴ - ۸۵، مصاحبه با آیه الله محمد شاه آبادی.

به سادگی می‌توانستم جواب آنها را بدهم و هرگز دربارهٔ این روش مردمی نیندیشیده بودم.<sup>۱</sup>

### تواضع

نقل شده است که روزی یکی از طلاب از ایشان خواهش کرد «حاشیه ملاً عبدالله» برای او تدریس کند درس حاشیه ملاً عبدالله یکی از درسهای مقدماتی حوزه است و استاد برای تدریس آن در حوزه زیاد بود؛ اما با این همه آیه اللہ شہاء آبادی رحمۃ اللہ علیہ که نمی‌خواست حتی یک نفر از دست او رنجیده خاطر شود، پذیرفت حاشیه را تدریس کند.

حضرت امام راحل رحمۃ اللہ علیہ درباره این ماجرا، چنین توضیح می‌دهد: «یک روز متوجه شدیم که ایشان حدود دو ماه است که پس از پایان درسهایشان برای طلبه‌ای یکی از دروس مقدماتی (حاشیه ملاً عبدالله) را می‌گویند. خیلی تعجب کردیم و با خود گفتیم در حوزه قم این همه استاد حاشیه وجود دارد، چه طور ایشان قبول کردند که

خوشرویی از دکتر بخواد که آن عمل خلاف شرع را ترک کند.»

از آن پس، هر کس از جلوی مطب عبور می‌کرد، برای انجام وظیفه شرعی خود، داخل مطب می‌شد و سلام کرده، موضوع را با زبان خوش در میان می‌گذاشت و خارج می‌شد.

چند روز بدین منوال گذشت و دکتر هر روز با صدها مراجعه کننده مواجه می‌شد که همگی یک مطلب را به او تذکر می‌دادند. وی دید اگر بخواد به لجاجت خود ادامه دهد، نه تنها باید مطب خود را تعطیل کند، بلکه مجبور است که از آن خیابان هم کوچ کند. از این رو، دست از ایجاد مزاحمت برداشته، جلسهٔ آموزش موسیقی دخترانش را تعطیل کرد.

پس از مدتی که مرحوم آیه اللہ شہاء آبادی رحمۃ اللہ علیہ را در خیابان ملاقات می‌کند، پس از احوال پرسی می‌گوید: «آقای شاه آبادی! با قدرت ملت کار را تمام کردی و من هرگز تصور نمی‌کردم شما چنین پشتوانه‌ای در اختیار داشته باشید. من گمان می‌کردم شما به مراجع قضایی و قانونی مراجعه می‌کنید که من

۱. فرهنگ و تاریخ معاصر، ش ۵، ص ۱۸۶، مصاحبه با آیه اللہ محمد شاه آبادی.

ساکت شدید. فکر می کردیم که دیگر مطلب تمام است و ایشان را متقاعد کرده ایم.

ولی آقای شاه آبادی پس از مکث کوتاهی فرمود:

روح الله! انسانی از من تقاضایی کرده است و من در حد امکانم تقاضایش را برآورده می کنم.<sup>۱</sup>

#### برنامه های اقتصادی

مرحوم آیه الله شاه آبادی رحمته الله علیه از جمله عالمانی است که علاوه بر معاد انسانها به فکر دنیای آنها نیز بود. او می دانست که برای تحکیم بنیانهای اعتقادی انسانها باید در صدد تأمین معیشت آنها نیز بود. از این جهت، در دوران فعالیتهای فرهنگی خویش در تهران، برنامه های مختلف اقتصادی را مطرح کرد و در حد توان به بعضی از آنها جامع عمل پوشاند. این برنامه ها عبارت اند از:

#### ۱. تشکیل بیت المال

با توجه به اینکه حمایت و یاری حکومت ظلم را خلاف شرع

بعد از نه درس سنگین و پیایی، حاشیه بگویند! آن هم فقط برای یک طلبه!

تصمیم گرفتیم که از آن طلبه بخواهیم نزد استاد دیگری درس بگیرد. پیش او رفتیم و مطلب را برای او گفتیم؛ ولی هر چه اصرار کردیم، قبول نمی کرد؛ حتی به او گفتیم که هر استادی از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم، به جز شاه آبادی و حاج شیخ عبد الکریم حائری را بخواهد، ما حاضریم از او دعوت کنیم تا حاشیه به او درس بدهد؛ ولی آن طلبه قبول نمی کرد و می گفت: در روی کره زمین من به غیر از آیه الله شاه آبادی از کس دیگر درس نمی گیرم.

تصمیم گرفتیم که از راه دیگری وارد شویم و نزد خود آقای شاه آبادی برویم و ایشان را به این امر متقاعد کنیم. بدین جهت، یک روز بعد از درس، آرام آرام صحبت را شروع کردیم و با تکیه به اصل «الْأَهْمُ فَأَلْأَهْمُ» به ایشان عرض کردیم که لازم است شما بعد از نه درس، استراحت کنید و خود را برای درسهای فردا آماده کنید و خلاصه خوب که حرفهایمان را زدیم،

۱. استاد زاده، صص ۶۲-۶۳.

وامهای بهره دار که در بانکهای وقت ارائه می شد، جلوگیری کند. در این زمینه می نویسد:

«ایجاد اساس مقتضی تمکن دادن قرض الحسنه و سد باب قرض تنزیلی که موجب خرابی دنیا و دین است.»<sup>۲</sup>  
بدین طریق، اولین صندوق قرض الحسنه ای که به اهتمام مرحوم آیه الله العظمی شاه آبادی و سرمایه گذاری بعضی خیرین افتتاح شد، تا سال ۱۳۲۹ ه.ش در حدود هفده میلیون ریال به اشخاص وام پرداخت کرد که این رقم در آن زمان بسیار زیاد بوده است.

### لطایف نوریه

در اینجا برگزیده ای از کلمات نورانی ایشان را برای استفاده بیشتر علاقه مندان ذکر می کنیم:

- اعلان و اظهار نعمت، عبادت است.<sup>۳</sup>

- شخصی که عبادت برادر نماید در مرض، خود را متخلق نموده به صفت رأفت و مظهر رئوف گردد، ان

می دانست، بهترین راه را از سوی علماء بزرگ تشکیل بیت المال یا خزانه داری کل می دانست تا پولهای زیادی را که به طرق مختلف از سوی مردم به سوی آنها می آید، جمع آوری کنند و به صرف مصالح مسلمین برسانند. ایشان در کتاب «شذرات المعارف» در این مورد می نویسند: «تشکیل بیت المال از زکوات و اخماس و غیرهما در تحت قواعدی که موجب حفظ از حیف و میل بوده باشد، به قسمتی که تمام مدرسین و محصلین و مبلغین و غیرهم [را] ارتزاق از آنان بوده باشند، با ملاحظه  
الاهم فآلآهم.»<sup>۱</sup>

### ۲. ایجاد شرکتهای تعاونی

ایجاد شرکت از روی قواعد علمیه برای ترقی تجارت مشروعه و صناعت و زراعت و ترویج البسه و اقمشه مصنوعه اسلامی و مملکتی.

### ۳. صندوقهای قرض الحسنه

از دیگر برنامه های اقتصادی مرحوم آیه الله شاه آبادی رحمته الله علیه پیشنهاد ایجاد صندوقهای قرض الحسنه بوده است تا بدین طریق از استفاده مردم از

۱. آسمان عرفان، ص ۱۰۶.

۲. همان، ص ۱۰۹.

۳. شذرات المعارف، ص ۹۰.

دستور آن انس دهد؛ زیرا آمده‌ایم تا عارف به حق شویم، نه در خودپرستی فرو رویم.<sup>۷</sup>

- اگر اینجا نادم نشوی، آنجا به نار الله مبتلا خواهی شد.<sup>۸</sup>

- برادر! مواظب خود باش! بین با خودت چه می‌کنی! به آب توبه و انابه آلودگیهای معاصی را بشوی و بگو: «استغفر الله ربی و اتوب الیه» و این ذکر عظیمی است در عبادات مِنَ الْبِدَايَةِ اِلَى النَّهَايَةِ.<sup>۹</sup>

- صبر صفت بزرگی است، شجاعت صفت نیکی است، عفت صفت پسندیده‌ای است؛ لکن این صفات وقتی عظمت پیدا می‌کنند که برای پرستش حق باشند؛ ستایش و پرستش او صفات را بزرگ و با عظمت می‌کند.<sup>۱۰</sup>

۱. همان، ۱۰۴.

۲. همان، ص ۱۳۲.

۳. همان، ص ۱۵۵.

۴. رشحات المعارف، ص ۶۰.

۵. همان.

۶. همان، ص ۶۱.

۷. رشحات البحار، ص ۱۸.

۸. همان.

۹. همان، ص ۲۷.

۱۰. همان، ص ۳۵.

شاء الله.<sup>۱</sup>

- مادامی که تخلیه دل از بیگانگان نشود، توجه به مقصد و مقصود نتوان نمود.<sup>۲</sup>

- کسانی که مبتلا به حب شهوات و زینت دنیا و امثال آن هستند، آخر بیچاره خواهند شد؛ زیرا که بعد از مفارقت از دنیا و عالم محسوس، معشوق خود را نیابند.<sup>۳</sup>

- اگر رو به این خانواده (اهل بیت علیهم‌السلام) حرکت نکنی، هر دقیقه، دل تو مثل طائری است که آشیان گم کرده و از شاخه‌ای به شاخه‌ای می‌جهد.<sup>۴</sup>

- سلامی که به ائمه اطهار علیهم‌السلام و اولیاء و مقربین عرضه داری، حقیقتش این است که رحمت را از حق می‌طلبی تا از ناحیه آنها که به منزله سیل گیر رحمت هستند، تو نیز به اندازه استعدادت بگیری.<sup>۵</sup>

- وقتی حجاب خودبینی و خودپرستی را برداشتی، حق به اسماء و صفاتش جلوه می‌کند.<sup>۶</sup>

- کسی که به قرآن و اسلام معتقد است، باید خود را به عمل کردن به



۸. رساله العقل و الجهل؛  
 ۹. چهار رساله در نبوت و ولایت  
 عامه و خاصه؛  
 ۱۰. جزوه‌هایی در ادبیات عرب و

- تعدادی رساله دیگر؛<sup>۲</sup>  
 ۱۱. تفسیری مشتمل بر توحید،  
 اخلاق و سیر و سلوک؛  
 ۱۲. شرحی بر مفتاح؛  
 ۱۳. شرحی بر فصول الحکم  
 قیصری.<sup>۳</sup>



۱. شرح جهل حدیث، امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۵۲.  
 ۲. تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۵، صص ۱۹۱ -  
 ۱۹۲؛ استادزاده، صص ۷۳ - ۷۴.  
 ۳. آینه دانشوران، سید علی رضا ریحان یزدی،  
 ص ۱۸۵.

- شیطان، سگ درگاه خداست. اگر  
 کسی با خدا آشنا باشد، به او عوعو  
 نکند و او را اذیت نکند.<sup>۱</sup>

### آثار

آیه الله العظمی شاه آبادی رحمته الله علیه با  
 همه کثرت تدریس و تبلیغ، آثار  
 ارزشمندی نیز به یادگار گذاشته است  
 که امیدواریم با چاپ آثار منتشر نشده  
 و تجدید چاپ آثار چاپ شده،  
 علاقه‌مندان بتوانند از معارف الهی  
 صادر شده از محضر نورانی آن بزرگ  
 بیشتر استفاده کنند. این آثار به شرح  
 زیر می‌باشند:

۱. شذرات المعارف یا مرام  
 الاسلام؛  
 ۲. رشحات البحار؛  
 ۳. مفتاح السعادة فی احکام  
 العبادة؛

۴. حاشیه نجات العباد؛

۵. منازل السالکین؛

۶. حاشیه کفایة الاصول؛

۷. حاشیه فصول الاصول؛